

ایران و آمریکا

دیپلمات آمریکایی: ایران برای بازسازی اعتماد در منطقه به زمان و تلاش بسیار نیاز دارد

الکس رئوف اوغلو

کمتر از یک دقیقه پیش



یکی از پهپادهایی که امارات می‌گوید در حملات ایران به این کشور رهگیری کرد، ۱۲ اسفند ۱۴۰۴

دیپلماسی میان تهران و واشینگتن، در مرحلهٔ آزمون یک تفاهم موقت و شکننده، هر روز پیچیده‌تر می‌شود.

مذاکراتی که ابتدا انتظار می‌رفت به صورت مستقیم در دوحه برگزار شود، اکنون ظاهراً به گفت‌وگوهای غیرمستقیم با میانجی‌گری قطر تبدیل شده و این در حالی است که تنش‌ها در خلیج فارس همچنان در سطحی خطرناک قرار دارد.

آنچه در کانون این تحولات قرار دارد، دارایی‌های مسدودشدهٔ ایران، آینده تنگهٔ هرمز و آسیب‌پذیری فزاینده کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس است که خود را در میانهٔ این ماجرا می‌بینند.

برای بررسی تازه‌ترین تحولات، راديو اروپای آزاد/راديو آزادی با مارک جی. سیورز، دیپلمات کهنه‌کار آمریکایی مستقر در ابوظبی، گفت‌وگو کرده است.

سیورز در طول دوران خدمت خود در نقاط مختلف خاورمیانه، از جمله به عنوان سفیر ایالات متحده در عمان، معاون رئیس هیئت دیپلماتیک آمریکا در قاهره و نیز در سمت‌های ارشد دیپلماتیک در بغداد، تل‌آویو و ریاض فعالیت کرده است.

رادیو اروپای آزاد/رادیو آزادی: آن‌چه در ابتدا به عنوان احتمال برگزاری مذاکرات مستقیم ایران و آمریکا در دوحه مطرح می‌شد، اکنون ظاهراً به گفت‌وگوهای غیرمستقیم با میانجی‌گری قطر تبدیل شده است. این تغییر تا چه اندازه نشان می‌دهد که این روند تا چه حد شکننده است؟

مارک سیورز: من بیانیه‌ای از سخنگوی ایران دیدم که گفته بود هیچ مذاکره مستقیمی انجام نخواهد شد. این موضوع برایم کمی غافلگیرکننده بود، هرچند نمی‌توانم دقیقاً تأیید کنم که سازوکار مذاکرات چگونه است.

• اگر آمریکایی‌ها در یک اتاق باشند و ایرانی‌ها در اتاقی دیگر و قطر پیام‌ها را میان دو طرف جابه‌جا کند، آیا این نشان می‌دهد که هر دو طرف همچنان خواهان کاهش تنش هستند، اما نمی‌خواهند هزینه سیاسی گفت‌وگوی مستقیم را بپردازند؟

راستش برایم دشوار است که بفهمم ایران دقیقاً چه می‌خواهد، چون به نظر می‌رسد اکنون با حاکمیتی دوپاره روبه‌رو هستیم. رهبران سیاسی ظاهراً خواهان توافق هستند، اما اصلاً برایم روشن نیست که سپاه پاسداران هم همین نظر را داشته باشد.

اگر چنین است، پس چرا پهنادهای تهاجمی را علیه کشتی‌ها به کار می‌گیرند؟ حتی اگر هدف‌شان این باشد که نشان دهند هنوز کنترل اوضاع را در دست دارند، این اقدام با تعهداتی که مذاکره‌کنندگان‌شان پذیرفته‌اند در تضاد است. بنابراین درک خواسته واقعی ایران در این مقطع کمی گیج‌کننده است.

• اگر هنوز گفت‌وگوی رودررو آغاز نشده، موفقیت احتمالی این هفته چه معنایی خواهد داشت؟ آیا صرفاً جلوگیری از شعله‌ور شدن دوباره درگیری نظامی در خلیج فارس است؟

به نظر من موفقیت یعنی رسیدن به یک تفاهم، پیش از هر چیز درباره تنگه هرمز. قرار بود با امضای تفاهم‌نامه این موضوع حل‌وفصل شود، اما روشن است که آن توافق آن‌گونه که انتظار می‌رفت، اجرایی نشده است.

همچنین بر سر لبنان نیز اختلافاتی وجود دارد. امضای تفاهم‌نامه میان هیئت‌های اسرائیل و لبنان در واشینگتن با میانجی‌گری آمریکا دستاورد بزرگی بود، اما حکومت ایران با آن مخالف است و می‌گوید این توافق با تفاهم‌نامه با ایالات متحده مغایرت دارد؛ برداشتی که آمریکا آن را قبول ندارد.

تنگه هرمز، امنیت خلیج فارس و خطر گسترش درگیری

• به تنگه هرمز اشاره کردید. با وجود ادامه تلاش‌های دیپلماتیک، این تنگه همچنان اصلی‌ترین نقطه بحرانی است. در حال حاضر آزادی کشتیرانی در این منطقه تا چه اندازه پایدار است؟

من فقط از طریق رسانه‌ها وضعیت را دنبال می‌کنم و واقعاً اطلاع دقیقی ندارم. روشن است که کشتی‌ها همچنان از تنگه عبور می‌کنند، اما تصور می‌کنم سرعت عبور آن‌ها به سطحی که آمریکا هنگام امضای تفاهم‌نامه انتظار داشت، نرسیده است.

ما هنوز به شرایطی که قرار بود با امضای آن تفاهم‌نامه برقرار شود، دست پیدا نکرده‌ایم. قرار بود این مرحله یک دوره ۶۰ روزه برای حل‌وفصل مسائل هسته‌ای باشد، اما در حال حاضر حتی به نظر نمی‌رسد موضوع هسته‌ای روی میز مذاکرات باشد؛ هرچند در این مورد نمی‌توانم با قطعیت اظهارنظر کنم.

- بحرین و کویت اخیراً هدف حملات ایران قرار گرفته‌اند. با توجه به تجربه شما در عمان، وقتی درگیری مستقیماً به خاک کشورهای خلیج فارس کشیده می‌شود، این وضعیت تا چه اندازه نگران‌کننده است؟

این نخستین حمله مستقیم ایران از این نوع بود. در جریان جنگ ۱۲ روزه، ایران یک بار پایگاه آمریکا در قطر را هدف قرار داد، اما خسارت ناچیز بود و تأسیسات غیرنظامی را هدف قرار نداد.

اما از همان روز نخست جنگ ۴۰ روزه، یعنی نهم اسفند ۱۴۰۴، ایران همه همسایگانش به‌ویژه امارات، بحرین و کویت را هدف حمله قرار داده و تمرکزش هم بر زیرساخت‌های انرژی، مراکز گردشگری و تأسیسات غیرنظامی بوده است، نه پایگاه‌های نظامی آمریکا. این مسئله همه را شوکه کرد چون کاملاً بی‌سابقه بود.

- وقتی از تنگه هرمز صحبت می‌کنیم، در واقع درباره شریان حیاتی اقتصاد کشورهای خلیج فارس حرف می‌زنیم. فکر می‌کنید کشورهایی مانند عمان و همسایگانش تا چه اندازه نگران تداوم اختلال در این مسیر هستند؟

عمان خارج از تنگه هرمز قرار دارد و مستقیماً تحت تأثیر آن نیست، هرچند این وضعیت بر بازار منطقه و فضای کلی این‌جا اثر می‌گذارد. البته عمان نیز چند بار هدف حملات ایران قرار گرفت.

عمان در حال همکاری با ایران برای رسیدن به نوعی تفاهم درباره نحوه مدیریت رفت‌وآمد کشتی‌ها در خلیج فارس بوده و همین موضوع یکی از محورهای اختلاف میان عمان و ایالات متحده محسوب می‌شود. تازه‌ترین اظهارنظرها نشان می‌دهد که عمانی‌ها شاید در حال فاصله گرفتن از هماهنگی با ایران باشند، اما از وضعیت فعلی اطلاع دقیقی ندارم.

دیگر کشورهای خلیج فارس نیز به دنبال مسیرهای جایگزین هستند. امارات و عربستان خطوط لوله جایگزینی دارند که می‌تواند نفت را از مسیرهای دیگر منتقل کند. کویت به دلیل موقعیت جغرافیایی‌اش آسیب‌پذیرتر است و عراق نیز تا حدی همین وضعیت را دارد.

در بلندمدت، این وضعیت ممکن است منطقه را به سمت استفاده از مسیرهای جایگزین و سازوکارهای چندجانبه برای امنیت کشتیرانی سوق دهد. اما آزادی کشتیرانی پیامدهایی جهانی دارد. بسیار مهم است که به ایران اجازه داده نشود حق حمله به کشتی‌ها در آب‌های بین‌المللی برای خود قائل شود. این اصل یکی از پایه‌های اساسی بازار جهانی انرژی است.

- آیا این بحران باعث می‌شود اعضای شورای همکاری خلیج فارس از نظر راهبردی به هم نزدیک‌تر شوند یا اختلاف‌های عمیق‌تر آن‌ها درباره نحوه برخورد با ایران را آشکار می‌کند؟

سؤال بسیار جالبی است. برداشت اولیه من این است که این بحران در آغاز آن‌ها را به هم نزدیک‌تر کرد. اما هرچه جنگ چند هفته ادامه یافت، به نظر می‌رسید مواضع کشورهای مختلف تا حدی از یکدیگر فاصله گرفت و هر کدام رویکرد متفاوتی در پیش گرفتند.

اکنون همه‌چیز به نحوه پایان این بحران بستگی دارد و هنوز به آن نقطه نرسیده‌ایم.

پرونده هسته‌ای، تحریم‌ها و مسیر دشوار پیش رو

- فراتر از تنگه هرمز، انتظار می‌رود گفت‌وگوهای فنی درباره معافیت‌های تحریمی و ذخایر اورانیوم با غنای بالای ایران نیز انجام شود. به نظر شما حل کدام یک دشوارتر است؛ پول، کشتیرانی یا پرونده هسته‌ای؟

همه این موضوعات به هم مرتبط هستند و از هم جدا نیستند. حتی جی دی ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، که نسبت به تفاهم‌نامه بسیار خوش‌بین بوده، تصریح کرده است تا زمانی که ایران تعهدات لازم را در پرونده هسته‌ای نپذیرد، خبری از کاهش گسترده تحریم‌ها نخواهد بود.

صحبت‌هایی درباره صدور مجوز فروش نفت ایران در طول این دوره ۶۰ روزه مطرح شده که نوعی امتیاز محسوب می‌شود. همچنین برخی گزارش‌ها از احتمال آزاد شدن دارایی‌های مسدودشده ایران در قطر و عمان خبر می‌دهند، اما برای من روشن نیست که این موضوع تا چه اندازه واقعیت دارد.

از سوی دیگر، ایده تشکیل صندوقی ۳۰۰ میلیارد دلاری برای بازسازی نیز مطرح شده است، اما واقعاً نمی‌دانم چه کشورهایی قرار است منابع مالی آن را تأمین کنند. تصور نمی‌کنم کشورهای خلیج فارس، به جز شاید قطر، علاقه‌ای به مشارکت در چنین طرحی داشته باشند.

- **هم‌زمان، بی‌ثباتی داخلی در ایران نیز ادامه دارد، از جمله کشته شدن اعضای سپاه پاسداران در کرمانشاه. فشارهای داخلی تا چه اندازه بر موضع تهران در مذاکرات اثر می‌گذارد؟**

من داخل ایران نیستم، بنابراین نمی‌توانم با اطمینان نظر بدهم. اما کاملاً روشن است که دست‌کم دو جریان در رهبری ایران وجود دارد. گاهی هم خودشان این بازی را انجام می‌دهند و به همین دلیل تشخیص واقعیت دشوار است.

با این حال، به نظر می‌رسد مسعود پزشکیان، شاید حتی محمدباقر قالیباف که یکی از مذاکره‌کنندگان اصلی بوده، و همچنین وزیر خارجه، همگی خواهان دستیابی به توافق با آمریکا هستند.

اما برای من روشن نیست که سپاه پاسداران نیز همین دیدگاه را داشته باشد، به‌ویژه زمانی که بحث امتیاز دادن ایران در پرونده هسته‌ای مطرح می‌شود؛ موضوعی که سپاه همچنان می‌گوید قابل مذاکره نیست. بنابراین باید منتظر ماند و دید چه خواهد شد.

- **اگر از تحولات روزمره فاصله بگیریم، آیا اکنون شاهد شکل‌گیری معماری تازه‌ای برای امنیت منطقه میان ایران، کشورهای خلیج فارس و آمریکا هستیم، یا فقط با یک آتش‌بس موقت در دل یک رویارویی طولانی‌مدت روبه‌رو هستیم؟**

هنوز پاسخ این سؤال را نمی‌دانیم. من نسبت به چنین ادعاهایی بسیار تردید دارم. این تحلیل‌ها را دیده‌ام، اما دست‌کم از جایگاهی که اکنون در ابوظبی دارم، می‌توانم بگویم هیچ اعتمادی به حکومت ایران وجود ندارد و بازسازی این اعتماد زمان بسیار زیادی خواهد برد.

اگر ایران می‌خواهد نشان دهد که تهدیدی برای همسایگانش نیست، باید تلاش بسیار زیادی برای جبران میراث حملات غیرقانونی خود به زیرساخت‌های غیرنظامی، تأسیسات انرژی، یک رآکتور هسته‌ای و موارد متعدد دیگر انجام دهد. این سابقه به این زودی‌ها از بین نخواهد رفت.

بیشتر در این باره:

آیا بحران تنگه هرمز آغاز «پایان عصر نفت» در بازارهای جهانی است؟



